



بند زنان زندان اوین؛
کمبودها و آزارها

* حقوق زندانیان

* بیش از ۱۶۰ سال حبس، برای زندانیان سیاسی زن اوین

* زندان استاندارد چه شرایطی باید داشته باشد؟

* درمان حق زندانیان است

* زمینه‌های حقوقی، حقیقی و فرهنگی نقض حقوق

زندان‌یان در ایران

* گزارش سالانه سازمان حقوق بشر ایران



سال دوم، شماره ۳۰ - ۱۰ اسفند ۱۳۹۴ / ۱ مارس ۲۰۱۶

حقوق زندانیان



ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران/ محمود امیری مقدم

سر دبیر: مدیر سمیع نژاد

صفحه بندی: ماهر خوش قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست

این شماره در حقوق ما می خوانید:

زندان استاندارد چه
شرایطی باید داشته
باشد؟



حقوق زندانیان

بند زنان زندان اوین؛
کمبودها و آزارها



بیش از ۶۰ سال حبس، برای زندانیان سیاسی
زن اوین





نازک افشار در فرودگاه تهران بازداشت شد

نازک افشار کارمند سابق سفارت فرانسه در ایران، در فرودگاه امام خمینی تهران بازداشت شد.

به گزارش بی‌بی‌سی، خانم افشار که یک بار در جریان اعتراضات انتخاباتی سال ۱۳۸۸ بازداشت شده بود، چند سال گذشته در فرانسه اقامت داشت.

در آن سال، اعضای خانواده خانم افشار گفته بودند اتهام او «اغتشاش‌گری و ایجاد شبکه و پناه دادن به اغتشاش‌گران در بخش فرهنگی سفارت فرانسه» عنوان شده بود؛ اتهامی که چندی بعد وزیر خارجه فرانسه از آن تحت عنوان «یک دستور و سنت دموکراتیک اروپایی» یاد کرد.

برنار کوشنر، وزیر خارجه وقت فرانسه در تابستان سال ۲۰۰۹ (۱۳۸۸) به روزنامه «پاریزین» گفته بود: «اگر معترضانی که مورد تعقیب قرار داشتند در سفارت فرانسه پناه می‌گرفتند، دستور این بود که در را باز کنند».

وزیر خارجه فرانسه در آن زمان گفته بود: «این یک دستور اروپایی است. این سنت دموکراتیک ماست».

به گفته دوستان خانم افشار او برای عیادت از مادر بیمارش به ایران سفر کرده بوده است. خانم افشار سال‌ها در بخش فرهنگی سفارت فرانسه در ایران مشغول به کار بوده است.

بازداشت ۴ شهروند بهایی

تارا هوشمند، روحیه صفاجو، سرمد شادابی و بهزاداد ذبیحی چهار شهروند بهایی در تهران، کرج و ساری بازداشت شدند.

در تاریخ ۱۸ اسفند به طور هم‌زمان در شهرهای تهران، کرج و ساری ۴ شهروند بهایی به نام‌های تارا هوشمند، روحیه صفاجو و سرمد شادابی در تهران و کرج و همچنین بهزاد ذبیحی در ساری بازداشت شدند.

یک منبع نزدیک به شهروندان بهایی بازداشت شده در گفت‌وگو با خبرگزاری بهایی‌نیوز اعلام کرد که ماموران امنیتی با مراجعه به منزل شخصی تارا هوشمند وی را بازداشت کردند. تارا از جمله جوانان محروم از تحصیل بود که سال گذشته در پی حق تحصیل خود به مقامات مربوط مراجعه و خواهان رسیدگی به پرونده خود شده بود.

پس از بازداشت این شهروندان بهایی، ماموران به منزل شخصی آنها وارد شده و ضمن تفتیش منزل، وسایل شخصی این شهروندان بهایی را از جمله کامپیوتر، موبایل و کتاب‌ها را ضبط و با خود برده‌اند.



دستگیری دو درویش گنابادی

دو درویش گنابادی به نام‌های ابراهیم فضلی و محمدعلی سعدی که در حادثه سال ۱۳۹۰ شهرستان کوار توسط نیروهای امنیتی مورد اصابت گلوله قرار گرفته بودند، بار دیگر دستگیر و به زندان عادل‌آباد شیراز منتقل شدند.

بر اساس گزارش مجذوبان نور، دادسرای کوار این دو درویش ساکن شهرستان سروسن را بدون ارایه حکم قضایی فراخوانده بود که پس از مراجعه این دو به دادسرای سروسن، دستور بازداشت و انتقال آنها را به زندان عادل‌آباد صادر کرد.

آقایان فضلی و سعدی در جریان غائله‌ای از سوی مراکزی که علیه دروایش نعمت‌اللهی گنابادی در شهرستان کوار راه افتاده بود از ناحیه پا مورد اصابت گلوله قرار گرفت. با وجود اقامه دعوا علیه ضاربان، مضروبان به حبس و زندان محکوم شدند.

این دو درویش با وجود جراحت شدید و خون‌ریزی به بازداشت‌گاه انفرادی منتقل شده و حتی پس از بستری در بیمارستان نیز مورد بازجویی قرار گرفته بودند.

یادآور می‌شود پس از غائله کوار شمار بسیاری از دروایش گنابادی سراسر کشور و جمعی از وکلا و فعالان حقوق آنان به حبس‌های سنگین، تبعیدهای طولانی‌مدت و محرومیت‌های اجتماعی محکوم شده‌اند.

سرمد شادابی یکی از شهروندان بازداشتی در حالی در دانشگاه رودهن بازداشت شد که از جمله شهروندان بهایی بود که پیشتر در نامه‌ای به کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی در خصوص نقض حقوق اجتماعی شهروندان بهایی اعتراض و خواهان رسیدگی به این موضوع شده بود.

همچنین روحیه صفاجو دیگر شهروند بهایی است که پیش‌تر در پی محرومیت از تحصیل در اعتراض به این حکم، دل‌نوشته‌ای منتشر کرده بود. روحیه صفاجو نیز در حالی بازداشت شد که ۸ مامور امنیتی با عنوان آن که مامور اداره گاز هستند، پس از باز شدن درب منزل به خانه آنها یورش برده و ضمن تفتیش منزل، وی را به مکانی نامعلوم منتقل کرده‌اند. پیش‌تر و در سال ۱۳۹۲ این شهروند بهایی که هم اکنون بیست سال دارد پس از دادن کنکور با نقض پرونده مواجه شده و به دلیل آنچه بهایی بودن از سوی مقامات خوانده می‌شود، از ادامه تحصیل بازماند.

تارا هوشمند، روحیه صفاجو، سرمد شادابی پس از بازداشت به زندان اوین منتقل شده‌اند.



عفو بین‌الملل نگران وضعیت سلامت سعید حسین‌زاده

سازمان عفو بین‌الملل در بیانیه‌ای به اعتصاب غذای سعید حسین‌زاده، فعال حقوق کودکان و زندانی بند هفت زندان اوین پرداخته و درباره وخامت حال او ابراز نگرانی کرده است. این بیانیه با عنوان «زندانی عقیدتی بیمار در اعتصاب غذا» منتشر شده است.

روز پنج‌شنبه ۲۱ اسفند سعید حسین‌زاده به اعتصاب غذای خود پس از ۲۰ روز خاتمه داد. عفو بین‌الملل اما در بیانیه خود به مشکلات جسمانی حسین‌زاده اشاره کرده و نسبت به عواقب عدم رسیدگی به وضعیت سلامت او هشدار داده است: «عفو بین‌الملل مطلع است که سعید حسین‌زاده از بیماری‌های مختلفی از جمله بیماری‌های قلبی، مفصلی، گوارشی و مشکلات تنفسی رنج می‌برد، اما به نظر می‌رسد قرارگاه ثارالله که مسئول تحقیق و بازجویی پرونده اوست، مرخصی پزشکی او را ممنوع کرده و با این کار جان این زندانی عقیدتی را به خطر انداخته است».

به گزارش زمانه، ماموران سپاه مهرماه سال ۹۳ سعید حسین‌زاده را در منزل شخصی‌اش بازداشت کردند. او پس از بازداشت به سلول‌های انفرادی بند دو-الف زندان اوین منتقل شد.

شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی مقیسه، این فعال مدنی را به اتهام تبلیغ علیه نظام و توهین به رهبری، در رای بدوی به هفت سال زندان محکوم کرد. دادگاه تجدید نظر هم که به ریاست قاضی زرگر در شعبه ۳۶ برگزار شد، این حکم را تایید کرد. این در حالی است که مجموع اشد مجازات برای این دو اتهام، چهار سال حبس است. سعید حسین‌زاده اینک دومین سال حبس خود را در بند هفت زندان اوین پشت سر می‌گذارد. او بیش از ۲۰ روز پیش در اعتراض به وضعیت پرونده و شرایط نگهداری‌اش در زندان، با انتشار نامه‌ای اعلام اعتصاب غذا کرد و نوشت که از بیماری‌های مختلف نظیر روماتیسم، تنگی نفس، مشکلات قلبی و عفونت و خون‌ریزی معده رنج می‌برد که حین بازداشت و طی حبس به این بیماری‌ها مبتلا شده است.

بر اساس نظر پزشک، این زندانی تحمل ادامه این وضعیت در شرایط حبس را ندارد: «سعید حسین‌زاده روز ۲۷ بهمن‌ماه به بیمارستان امام خمینی اعزام شده و پزشکان تایید کرده‌اند که روماتیسم مفصلی او به قلبش سرایت کرده و نیاز به معالجه مستمر دارد».

خانواده حسین‌زاده هم به تازگی گفته‌اند که نیروهای سپاه آن‌ها را در مورد پیگیری و رسانه‌ای کردن وضعیت فرزندشان، تلفنی تهدید کرده‌اند.

* بر اساس آخرین اخبار سعید حسین‌زاده در ۲۴ اسفند ۱۳۹۴ به مرخصی درمانی رفت.





حقوق زندانیان

اصل بر آزادی و کرامت انسانهاست و آزادی مهم‌ترین حق بنیادین بشر است. بنا بر این سلب آن از جانب فرد، ارگان، سازمان، نهاد و قدرتی جایز نیست مگر آن‌که زیان آزادی و احتمال ضرر از جانب شخص بیشتر از آزادی وی باشد. رعایت حقوق و مصلحت جامعه و افراد آن باعث کنترل و تحدید حدود آزادی‌های فردی می‌شود. این سلب آزادی باید بر اساس قوانین و ضوابط مکتوب با تصمیم و تصویب نمایندگان مردم صورت گیرد که فراسوی جامعه جهت تعیین بخشیدن به حقوق فردی و جمعی و تعیین حریم افراد جامعه با عنوان مجازات محقق می‌گردد.

مجازات زندان و حبس و سلب آزادی از دیگران فقط به موجب قانون می‌تواند توضیح داده شود و آن به منظور تامین امنیت عمومی، تامین حقوق دیگران، جلوگیری از هرج و مرج و پیش‌گیری از وقوع جرم است. مجازات در واقع، واکنش جامعه نسبت به متخلف و متجاوز و تنبیه مجرم در دفاع از حقوق و آزادی و جان و مال خویش برای حفظ آرامش و امنیت‌اش است.

ژان ژاک روسو در کتاب «قرارداد اجتماعی» کارکردهای اجتماعی مجازات و فایده آن در جامعه را در نظر گرفته است. او در مورد اصل و منبع حق جامعه در مورد مجازات و تنبیه افراد معتقد است افراد بشر که آزاد به دنیا آمده‌اند و به طور آزاد هم در طبیعت زندگی می‌کنند، به تنهایی قادر به حفظ خود و دفاع در مقابل عوامل طبیعی نیستند. بنا بر این برای محافظت خود و دفع مخاطرات به دور یکدیگر گرد آمده و با هم «قرارداد اجتماعی» منعقد می‌کنند. در چنین جامعه‌ای هرگاه کسی مرتکب جرم شود، با میل و اراده، قراردادی را که با جامعه بسته بود نقض کرده است. متصدیان امر، با محاکمه مقصر و اعلام حکم مجازات، در واقع ثابت می‌کنند و به عموم اعلام می‌کنند که این شخص قرارداد اجتماعی را نقض کرده است و بنا بر این عضو جامعه نیست و چون تعهد خود را لغو نموده باید به عنوان پیمان‌شکن، تبعید و یا به اسم دشمن جامعه، نابود گردد. چنین فردی دیگر استحقاق محافظت‌شدن از ناحیه آن جامعه را نداشته و جامعه حق دارد

که چنین فردی را مجازات کند، چرا که در این صورت نفع آن متوجه جامعه می‌شود.

بر خلاف روسو، «امانوئل کانت» فلسفه مجازات را صرف‌نظر از نفع اجتماعی آن، اجرای «عدالت مطلق» می‌داند. او بر این باور بود که «عدالت» و «اخلاق» ایجاب می‌کند که بزهکار کیفر ببیند. حتی اگر برای جامعه فایده‌ای متصور نباشد، اجرای آن به لحاظ تجاوز به حریم افراد چه از نظر حقوقی و چه از نظر اخلاقی ضروری است. به نظر وی هدف مجازات، صرف‌نظر از نفع اجتماعی، سودجویی و رفع ضرر شخصی است. عده‌ای دیگر هدف از مجازات را اصلاح و تربیت مجرم و بازگشت او به جامعه می‌دانند. یکی از مجازات‌های مهم که در قوانین کشورها پیش‌بینی شده، مجازات زندان است. زندان به خودی خود چون با حیثیت انسان‌ها مرتبط است، حساسیتی ویژه دارد.

می‌دانیم که حقوق بنیادین بشر هیچ‌گونه حد و مرزی نمی‌شناسد. از این رو تحمیل کیفر سالب آزادی (زندان)، فرد را از حقوق اساسی که متعلق به نوع بشر است محروم نمی‌سازد و این حقوق شامل تمامی اشخاص زندانی و بازداشت‌شدگان نیز می‌شود. از جمله این حقوق عبارتند از:

- الف - حقوق معنوی
- حق زندگی و برخورداری از احترام به منزلت و کرامت انسانی
- حق محفوظ ماندن از اعمال شکنجه و سوء رفتار
- حق برکنار بودن از هر گونه تبعیض
- حق آزادی اندیشه
- حق آزادی وجدان و مذهب
- حق احترام به زندگی خانوادگی
- ب - حقوق مادی

- حق برخورداری از بهداشت و درمان
- حق خوراک و پوشاک
- حق تأمین نیازهای اولیه و برخورداری از سرپناه جهت گذراندن دوران محکومیت
- حق انجام کار جهت تامین معاش خود و خانواده
- حق استفاده از رسانه‌های گروهی مانند تلویزیون، رادیو و مطبوعات
- حق انعقاد عقود و معاملات و تنظیم اسناد
- حق درخواست عفو و بخشش
- حق آموزش

در سال ۱۹۳۳ اصطلاح «حقوق زندانیان» در سومین کنگره بین‌المللی حقوق جزا و زندانی‌ها در سوئد پذیرفته شد. در کنگره مذکور، حقوق زندانیان را چنین تعریف کردند: «مجموع قواعد و اصول قانونی که رابطه بین دولت و محکوم را از زمان شروع اجرای مجازات و یا تاریخ بازداشت تعیین می‌کند». استانداردها و شرایط زندان‌های کشور در قوانین و مقررات مربوط به سازمان زندان‌ها مشخص شده است. قانون سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، مصوب سال ۶۴ است و آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور چند بار مورد بازنگری و تغییر قرار گرفته است. در حال حاضر آیین‌نامه مصوب سال ۸۴ اجرا می‌شود. در این آیین‌نامه، نحوه اداره زندان و بازداشت‌گاه و شرایطی که باید داشته باشند و وظایف سازمان زندان‌ها مشخص شده است. بنا بر این، ما ضوابط قانونی را داریم اما مشکل در اجرای این مقررات است. این که زندان‌ها باید از نظر بهداشتی، فضای آموزشی، فضای زندگی دارای چه شرایطی باشد، همه در مقررات مربوطه آمده و اگر اشکالی وجود دارد مربوط به نحوه اجرا یا عدم اجرای مقررات است.

در این آیین‌نامه آمده است: «زندان محلی است که در آن محکومانی که حکم آنها قطعی شده است با معرفی مقام‌های صلاحیت‌دار قضایی و قانونی برای مدت معین یا به طور دایم برای تحمل کیفر، با هدف حرفه آموزی، بازپروری و بازسازی نگه‌داری می‌شوند».

همچنین: «بازداشت‌گاه محل نگهداری متهمانی است که با قرار کتبی مقام‌های صلاحیت‌دار قضایی تا اتخاذ تصمیم نهایی به آنجا معرفی می‌شوند».

ماده ۹۸ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمین و تربیتی کشور، اهتمام ویژه‌ای به سلامتی و مراقبت‌های پزشکی از زندانیان دارد. یکی از حقوق و امکاناتی که برای دسته خاصی از زندانیان پیش‌بینی شده در تبصره ذیل ماده ۹۹ آیین‌نامه و راجع به وضع زندانیان بیماری است که مرض آنها صعب‌العلاج یا غیر قابل علاج است .

هر زندانی به محض ورود به زندان از حق معاینات کامل بهره‌مند می‌شود. به موجب ماده ۱۰۷ آیین‌نامه بهداشتی، زندان موظف است از زندانی تازه وارد معاینات کامل پزشکی را به عمل آورد.

به موجب ماده ۱۶۰ آیین‌نامه، انجام عقد نکاح و طلاق و تنظیم هر گونه سند معامله و قرارداد یا تعهدی که یک طرف آن زندانی باشد، بایستی با اجازه مقام قضایی مربوطه یا قاضی ناظر زندان انجام و در صورت لزوم در زندان به وسیله یکی از سردفتران اسناد رسمی با شرایط عادلانه‌تر از سایر دفاتر اسناد رسمی انجام پذیرد تا موجب تضییع حق زندانی و سایر اشخاص حقیقی و حقوقی دیگر نشود.

برخی از حقوق و امتیازات زندانی در فصل چهارم بخش دوم آیین‌نامه تحت عنوان فعالیت‌های آموزشی، فرهنگی و تربیتی آمده است که مواد ۱۳۲ تا ۱۵۱ را به خود اختصاص داده است.

مهم‌ترین عناوین این حقوق در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عبارتند از:

- (۱) تساوی حقوق افراد و حمایت یکسان قانون از همه افراد و عدم تبعیض ناروا (اصول ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی)
- (۲) منع دستگیری و توقیف غیر قانونی اشخاص (اصل ۳۲ قانون اساسی)
- (۳) منع تبعید خودسرانه و غیر قانونی (اصل ۳۳ قانون اساسی)
- (۴) حق دادخواهی (اصل ۳۴ قانون اساسی)
- (۵) حق داشتن وکیل (اصل ۳۵ قانون اساسی)

بند زنان زندان اوین؛ کمبودها و آزارها



شیدا جهان بین

تنها بند زنان زندان اوین طی چند سال اخیر به محل نگهداری زندانیان سیاسی عقیدتی تبدیل شده که کمبودها و مشکلات بسیاری در آن وجود دارد. با وجود اعتراض‌ها و اخبار متعددی که از این بند منتشر می‌شود اوضاع در این بند رو به بهبودی نیست.

از آنجایی که زندانیان بند زنان زندان اوین، هم‌اکنون تنها

زندانیان سیاسی و عقیدتی هستند و تعداد آن‌ها نسبت به مردان زندانی کم‌تر است، با بی‌توجهی‌های بیش‌تری از سوی مسوولان زندان روبه‌رو هستند که همین مساله، مشکلات بزرگ‌تری را برای آن‌ها رقم می‌زند. زنانی با اعتقادات مختلف و در سنین بین بیست و چند سال تا هفتاد سال با کمبود وسایل بهداشتی نو، کمبود و جیره‌بندی غذا، وسایل ورزشی غیرقابل استفاده، کم‌نوری و رطوبت و مواردی از این دست مواجه‌اند. با یکی از زندانیان سابق که مدتی در این بند بوده و خواست نامش فاش شود در خصوص این مشکلات و آزارها گفت‌وگو کردیم.

به عنوان یکی از زندانیانی که چند سال در بند زنان زندان اوین سیری کرده‌اید، چه مشکلاتی در این بند می‌بینید؟

همیشه سختی‌های مضاعفی برای زنان در بند وجود داشته است. بیش‌تر به خاطر این‌که بچه‌ها از این‌که اعتراض‌شان سبب قطع ملاقات‌های‌شان شود؛

زندانی‌ها می‌گذارد و این آسیبی برای سلامتی زنان شده است. اqlام فروشگاه زندان نیز محدود است و سلیقه‌ای و غیر مستمر مواد ضروری را می‌آورد. همچنین چیزهایی که در فروشگاه پیدا می‌شود ۱۵ درصد گران‌تر از بیرون است.

جیره خشک شامل چه چیزهایی است؟

لبنیات و گوشت ندارد. جیره‌ها معمولاً برای یک ماه است. دیر و زود می‌شود. البته بیش‌تر دیر شده و هیچ وقت زود نمی‌شود. جیره شامل پنچ و یا ۶ تخم مرغ، یکی و نصف مرغ متوسط، یک شامپو و ... در یک ماه است.

عمل‌کرد زندان و مسوولان آن در رابطه با موارد پزشکی و اعزام به بیمارستان‌ها چگونه است؟

برای اعزام‌ها و پزشک، مشکلات زیادی وجود دارد. جدیداً قانونی گذاشته‌اند که بیش از یک بار در طول روز، آن هم ساعتی خاص، حق رفتن به بهداری وجود ندارد. شاید فقط در صورتی که وضعیت خیلی اورژانسی باشد (مثل بیهوشی) آن‌ها را به بهداری منتقل می‌کنند. تنها بند زنان زندان اوین، بند نسوان است و مسوولان سعی می‌کنند که آن‌را جدا از بقیه بخش‌ها نگه دارند. ضمن این‌که اذیت‌های خاصی وجود دارد. مثلاً در ملاقات‌های حضوری که یک بار در ماه است، خیلی اوقات نماینده دادستان با یکی سر لج می‌افتد و برای چهار یا پنج بار متوالی اجازه ملاقات نمی‌دهد. در بند زنان تلفن نیست. برخی، بچه‌های خارج از کشور دارند اما اتفاق

می‌ترسند. بسیاری از زنان، مادر هستند و می‌خواهند با فرزندان‌شان ملاقات داشته باشند. به همین دلیل ناهماهنگی وجود دارد. در کل می‌توانم بگویم که اصولاً روی بند زنان فشار بیش‌تری نیز هست. از تغییر قوانین در رابطه با کتاب و مجله و محصولات فرهنگی گرفته تا لباس و صنایع دستی که بچه‌ها به بیرون می‌فرستند. هر روز قانون جدیدی وضع می‌شود. یعنی شب می‌خوابند و صبح بیدار می‌شوند و یک قانون جدید وضع شده است. خیلی چیزها ممنوع است. مثلاً زمانی کتاب و سی دی آموزش زبان انگلیسی ممنوع می‌شود یا مثلاً می‌گویند که فقط کتاب درسی حق ورود به زندان را دارد. به اضافه این‌که بحث تغذیه هم مشکل دیگر زنان این بند است. بند نسوان بیش‌تر از سه سال است که غذای آماده تحویل نمی‌گیرد و جیره خشک می‌گیرد. به مرور در پی کم کردن همین جیره هم هستند. ماه‌ها است که گوشت قرمز از جیره‌ی غذایی زندانیان حذف شده است. بیش‌تر از یک سال است که لبنیات را قطع کرده‌اند. حتی فروشگاه هم این مواد را به ندرت و با درخواست کتبی برای خرید در اختیار



پاسیارها به چه صورت رفتار می‌کند؟

ماموران زن در بند زنان درجه‌دار هستند و انگار از جای دیگری دستور می‌گیرند. خیلی خشن هستند. وقتی که برای برخوردهای خشونت‌آمیزشان اعتراض کردیم؛ حتی رییس زندان هم می‌خواست که تغییراتی در این کادر انجام دهد، اما نتوانست. حتی زور دادستانی هم به آن‌ها نمی‌رسد. دید خیلی منفی نسبت به زندانیان زن وجود دارد. انگار که زنانی که زندانی سیاسی و یا عقیدتی می‌شوند؛ پر روتر از مردان هستند و برای همین آن‌ها تمام تلاش‌شان را می‌کنند تا روی آن‌ها را کم کنند. من فکر می‌کنم رفتارشان برای تحقیر بچه‌ها سیستماتیک است. مثلا یکی از بچه‌ها که از دو-الف آمده بود، کاملاً در یک مکان اداری - نظامی لباس‌های‌اش را در آورده بودند. روی پوستش دست کشیده بودند و این خیلی عجیب است؛ چون زندانی از بیرون نیامده و از بند دو-الف منتقل شده بود. با یکی دیگر از بچه‌ها که می‌خواست به مرخصی برود هم همین کار را کردند. دو مامور زن که کار بازرسی را انجام می‌دهند رفتار بدی دارند تا جایی که من فکر می‌کنم مشکل اخلاقی دارند. این رفتارها روی اعصاب بچه‌ها تاثیر زیادی دارد تا جایی که خیلی‌ها حتی نمی‌توانند برای همدیگر مطرح کنند.

تا به حال به این موارد شکایت شده است؟

بله؛ در دو مورد به صورت رسمی شکایت داشته‌ایم که به هیچ جا نرسیده. یا در همین گشتن‌ها شکایت رسمی شده اما باز هم هیچ جوابی داده نشده. وضعیت جالبی نیست. به خصوص از وقتی که نرگس محمدی به بند آمده، برای اذیت کردن او، فشار روی همه بیش‌تر شد. رفتار پاسیارها هم با بچه‌ها خیلی بدتر شده است.

آیا از رفتار پاسیارها را می‌توانیم به عنوان آزار جنسی نام ببریم؟

به نظر من آزار جنسی است. مثلاً در بازرسی بدنی، شوخی دستی می‌کنند و بدن زنان را نیشگون می‌گیرند. کلاً کارهای چندش‌آوری می‌کنند. انگار که در خیابان هستی و کسی به تو تعرض می‌کند. با مامور مرد ارتباط نداریم؛ اما برای مثال خدابخشی نماینده داستان در حد کلامی، تعرض می‌کرد. مثل این که می‌خواست بگوید باید با من راه بیایی تا کارت را راه بندازم.

چه زمانی می‌شود به هواخوری رفت؟

از طلوع تا غروب خورشید در یک حیاط که به اندازه زمین والیبال است می‌توان به هواخوری رفت. با این حال

عملاً خیلی‌ها به خاطر مشکلات جسمانی نمی‌توانند از هواخوری استفاده کنند. محوطه هم بسیار تاریک است چون که تمام پنجره‌ها را کور کرده‌اند. فقط از یک طرف ساختمان که رو به تپه است نور می‌آید. آن قدر تاریک و نمناک است که چیزی مانند شپش در تابستان شیوع پیدا کرد. زمستان‌ها هم سرد است. با هزینه خود بچه‌ها یک سری بخاری برقی خریده شده بود. امسال اما آن‌ها بخاری‌های برقی را به سربازها داده بودند و برای همین خیلی سرد بود. چیزی که با هزینه بچه‌ها تامین شده بود؛ به سربازها رسیده بود. چون به زنان گفته بودند که سربازها سردشان است و نیاز دارند.

وضعیت بهداشتی چگونه است؟

خود بچه‌ها باید تمیزکاری انجام دهند. ضمن این‌که وسایل بی‌کیفیت در اختیار بچه‌ها می‌گذارند که خود آن‌ها باعث مسمومیت می‌شود. رویا صابری سال گذشته در حمام مسموم شده بود. به همین خاطر زنان ترجیح می‌دهند که از آن‌ها استفاده نکنند. ضمن این‌که تمام چیزهایی که آن‌جا خریداره شده مثل یخچال‌ها، گاز و ظروف با هزینه بچه‌ها خریداری شده است. وگرنه زندان هیچ امکاناتی در اختیار نمی‌گذارد. به اضافه این‌که خریداری همین وسایل توسط خانواده‌ها را هم مجوز نمی‌دهند و برای گرفتن مجوز نیاز به چندین ماه دوندگی است.

وضعیت روحی خود زندانیان چطور است؟

سه اتاق وجود دارد. دو اتاق ۹ متری و یک اتاق ۱۲ متری که به همدیگر راه دارد. در واقع اتاق‌های جداگانه وجود ندارد. همه با هم هستند. یکی از زندانیان زن که وضعیت روانی مناسبی ندارد، در مقابل زنان دیگر خودزنی و خودکشی کرده است و رفتارهای عجیب و پرخاش‌گرانه با زندانیان دیگر دارد و همین برای زنان بند به صورت شکنجه است. در زندان‌های دیگر که اتاق‌های بیش‌تری وجود دارد؛ کسانی که روابط بهتری دارند می‌توانند با هم در اتاق خودشان باشند؛ اما در اوین در حقیقت سالن وجود دارد و همین مساله می‌تواند مشکل‌ساز باشد. ضمن این‌که زندانیان دارای سنین و اعتقادات مختلف هستند. مثلاً فریبا کمال‌آبادی هشت سال است که بدون یک روز مرخصی آن‌جاست. برخی از زندانیان کشش و حوصله جوان‌ترها را ندارند. برای بالا نگه داشتن روحیه زنان در بند باید تلاش کرد. فضای سنگینی در محیط حاکم است. برای مثال دادستانی گاهی می‌آمد و شروع می‌کرد با بچه‌ها حرف زدن و امید می‌داد که هفته دیگر آزادی در پیش است و از این طریق با روان بچه‌ها بازی می‌کردند.

همین مساله انفعال در بچه‌ها ایجاد می‌کند که ساکت باشند و خبر به بیرون ندهند. دقیقاً از حس مادر بودن در این بند سوءاستفاده می‌کنند. سر کوچک‌ترین چیزی مثل زمانی که مادران با فرزندان‌شان هفته‌ای نیم ساعت ملاقات دارند، اگر از طرف خوش‌شان نیاید و یا بخواهند او را تحت فشار قرار بدهند، ملاقات بیست دقیقه‌ای را کم‌تر هم می‌کنند و این برای یک مادر و فرزندانش خیلی سخت است.

چه امکاناتی در اختیار زنان در این بند وجود دارد؟

وسیله ورزشی هست، اما خراب است و تلاشی برای تعمیرش نمی‌کنند. معرق‌کاری هست که خود بچه‌ها باید چوب بخرند. هویه و چرم هم هست که باید از بیرون تهیه شود که گاهی اوقات اجازه ورودش را می‌دهند و برخی اوقات نمی‌دهند. یک تلویزیون بزرگ در اتاقی هست که بزرگ‌ترین اتاق به حساب می‌آید و آشپزخانه هم آن‌جا است؛ اما از آن‌جایی که روغنی که در اختیار زندانیان قرار می‌دهند، کیفیت بسیار بدی دارد، وقتی کسی غذایی سرخ می‌کند؛ همه باید از آن اتاق فرار کنند.



بیش از ۱۶۰ سال حبس، برای زندانیان سیاسی زن اوین

MARCH

سال ۹۱ توسط سپاه و در فرودگاه بازداشت و اواخر پاییز همان سال به بند عمومی منتقل و در دادگاه به ده سال زندان محکوم شد که این حکم در دادگاه تجدید نظر تایید شود.

فاطمه مثنی، زندانی سیاسی پیشین در دهه ۶۰ در مهرماه سال جاری توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد. وی متولد ۱۳۴۷ است و در سال ۱۳۶۰ به همراه مادر و خواهرانش بازداشت و مدت سه سال را در زندان گذرانده بود. او هم‌چنین در بامداد دوشنبه ۱۰ بهمن‌ماه ۱۳۹۱ به همراه همسر خود حسن صادقی بازداشت و در بهمن‌ماه ۱۳۹۲ به قید وثیقه از بند زنان زندان اوین آزاد شد. وی هم اکنون در بند زنان زندان اوین به سر می‌برد.

مریم اکبری منفرد که در عاشورای سال ۱۳۸۸ بازداشت شد، به اتهام محاربه و هواداری از سازمان مجاهدین خلق به ۱۵ سال زندان محکوم شده است. وی تاکنون به مرخصی نیامده است. مادر او از زندانیان دهه ۶۰ بوده و دو خواهر و دو برادرش از اعدام شدگان دهه ۶۰ هستند.

زهرا زهتابچی، متولد ۱۳۴۸ کارشناس ارشد جامعه‌شناسی است که از تاریخ ۲۴ مهرماه ۱۳۹۲ به همراه همسر، خواهر و دختر ۲۰ ساله اش بازداشت شد. همسر وی به مدت ۲۲ روز، نرگس خوش‌نیت، دختر زهرا زهتابچی به مدت ۲۴ ساعت و فائزه زهتابچی خواهر وی نیز به مدت یک هفته در بازداشت به سر بردند. زهتابچی به اتهام هواداری از «سازمان مجاهدین خلق ایران» توسط شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی، محاکمه و به ۱۲ سال حبس تعزیری محکوم شد که این حکم در دادگاه تجدید نظر نیز مورد تایید قرار گرفت و بر این اساس وی هم اکنون در بند زنان زندان اوین به سر می‌برد.

صدیقه مرادی از دیگر زندانیان سیاسی زندان اوین نیز پیش از

روز جهانی زن در حالی برگزار شد که تعداد زیادی از زنان در ایران در زندان به سر می‌برند. در این میان ۲۱ نفر از این زنان به دلایل مختلف نظیر فعالیت‌های سیاسی، عقاید مذهبی و فعالیت‌های مدنی در بند زنان زندان اوین هستند و با محکومیتی بیش از ۱۶۰ سال زندان روبه‌رو هستند.

فهیمه اعرفی، یکی از زندانیان در بند زنان زندان اوین است که پس از تایید حکم زندانش در شعبه ۵۴ دادگاه تجدیدنظر به ریاست قاضی پورعرب، باید مدت ۵ سال را در زندان سپری کند. وی یکی از اعضای حلقه عرفان است که پس از بازداشت محمدعلی طاهری، سه بار بازداشت شد و پس از گذران حبس در زندان قرچک ورامین، به بند زنان زندان اوین منتقل شد.

زیبا پورحبیب نیز یکی از مربیان عرفان حلقه است که در تاریخ دهم تیرماه سال جاری برای اجرای حکم سه سال حبس خود که در شعبه ۵۴ دادگاه تجدید نظر به ریاست قاضی پورعرب تایید شده بود، خود را معرفی کرده بود، ابتدا به زندان قرچک ورامین و سپس به بند زنان زندان اوین منتقل شد و هم‌اکنون در این زندان به سر می‌برد. وی ۵۶ ساله است که از ۴۷ سالگی در کلاس‌های عرفانی شرکت داشته. فهیمه اعرفی و زیبا پورحبیب با اتهاماتی چون «توهین به مقدسات»، «مداخله در امور پزشکی» و «تحصیل مال نامشروع» به حبس محکوم شده‌اند.

در این میان هم‌چنان با گذشت بیش از ۶ سال از جنبش سبز و اعتراضات مردمی به انتخابات ریاست جمهوری در ایران، تعدادی از زنانی که آن زمان بازداشت شدند، در زندان به سر می‌برند و در حال سپری کردن محکومیت‌های بلند مدت خود هستند. بهاره هدایت یکی از این زنان است که از سال ۱۳۸۸ در زندان به سر می‌برد. هدایت فروردین ۱۳۶۰ در تهران متولد شده و فعال دانشجویی، فعال جنبش زنان و عضو شورای مرکزی و سخنگوی دفتر تحکیم وحدت بود. وی که در اسفند ۱۳۹۰ به دلیل «شجاعت فوق‌العاده و تعهد فعالانه به عدالت در برابر نقض حقوق بشر در ایران» برنده جایزه ادلستام ۲۰۱۲ سوئد شد در دادگاه تجدید نظر حکم قطعی ۹ سال و نیم حبس را دریافت کرد. اتهامات وی از سوی قاضی مقیسه؛ فعالیت تبلیغی علیه نظام، مصاحبه با رسانه‌های بیگانه، توهین به رهبر، توهین به رییس جمهور، اخلال در نظم عمومی از طریق شرکت در تجمعات غیرقانونی، ورود غیرقانونی و تخریب در دانشگاه امیرکبیر هنگام ورود مهدی کروی به این دانشگاه عنوان شد.

ریحانه طباطبایی روزنامه‌نگار در سال ۸۴ جزو حامیان مصطفی معین و از امضاکنندگان بیانیه ۱۶۱ نفره زنانی بود که با نگاه فمینیستی از شعار برابری جنسیتی کاندیدای حزب مشارکت حمایت کردند. وی در سال ۸۹ به گروه سیاسی روزنامه شرق رفت و در ۲۰ آذر سال ۸۹ که خبرنگار گروه سیاسی این روزنامه بود، بازداشت و ۳۶ روز بعد با قرار وثیقه آزاد شد. بنا بر گزارش «کلمه» جلسه محاکمه این روزنامه‌نگار به اتهام «تبلیغ علیه نظام» روز ۹ آذر ماه سال گذشته به ریاست قاضی صلواتی برگزار شد و ۲۶ آبان سال جاری، پس از نزدیک به یک سال، حبس تعزیری این

مریم اکبری منفرد، صدیقه مرادی، ریحانه حاج ابراهیم، فاطمه مثنی، زهرا زهتابچی و بهناز ذاکر ۶ زندانی سیاسی زن منتسب به سازمان مجاهدین خلق هستند که در زندان اوین به سر می‌برند. بهناز ذاکر مدتی در بیمارستان روانی روزبه بستری بود. او متهم به ارتباط با سران سازمان مجادین خلق و محکوم به ۱۰ سال حبس تعزیری است. وی نزدیک به ۲۵ سال در اروپا زندگی کرده و به گفته خود به دلایل خانوادگی مجبور به بازگشت به ایران شده که منجر به بازداشت او شده است. او در خرداد

این از زندانیان دهه ۶۰ بوده است. او به اتهام هواداری از سازمان مجاهدین خلق به ۱۰ سال حبس تعزیری محکوم شده و نیز تاکنون از مرخصی محروم بوده است.

ریحانه حاج ابراهیم دباغ، متولد ۶۱ و یکی دیگر از بازداشت شدگان عاشورای ۸۸ به اتهام محاربه در دادگاه بدوی به اعدام و سپس در دادگاه تجدید نظر به ۱۵ سال حبس محکوم شد. او به همراه مطهره بهرامی و محسن و احمد دانشپور بازداشت شد. او از درد معده رنج می برد و تاکنون از مرخصی محروم بوده است.

فریبا کمال آبادی، مهوش شهریاری (ثابت)، **فاران حسامی، نسیم باقری، آریتا رفیع زاده و الهام فراهانی،** شهروندان بهایی و از دیگر زنان زندانی در اوین هستند. فریبا کمال آبادی و مهوش شهریاری (ثابت) از اعضای شورای مرکزی بهائی در ایران (گروه یاران) هستند که هر کدام به ۱۰ سال زندان محکوم شده اند و بیش از ۸ سال است بدون مرخصی در زندان به سر می‌برند. مهوش شهریاری و فریبا کمال ابادی از قدیمی‌ترین زندانیان سیاسی به حساب می‌آیند. آن‌ها هم‌چنین مسن‌ترین زندانیان



سیاسی زن هستند و با مشکلات جسمانی فراوانی روبه رو هستند اما تاکنون اجازه استفاده از مرخصی را نیافته‌اند.

فاران حسامی از اساتید دانشگاه آنلاین بهائی و محکوم به ۴ سال زندان است. او به همراه همسرش کامران رحیمیان و گروهی از اعضای هیات علمی دانشگاه آنلاین بهایی‌ها بازداشت و بعد از دو ماه با قرار وثیقه آزاد شد. او و همسرش به ۴ سال زندان محکوم شدند. فاران حسامی در مرداد سال ۹۱ در حالی که هنوز حکم دادگاه تجدید نظر به او ابلاغ نشده بود و برای پیگیری کار همسرش به اجرای احکام دادسرای اوین رفته بود؛ توسط نصیری پور، قاضی اجرای احکام بازداشت و برای تحمل حبس به بند زنان منتقل شد. حسامی و همسرش متهم شدند که از طریق مشاوره قصد ترویج بهائیت را داشتند.

نسیم باقری از اساتید دانشگاه مجازی بهائیان صبح روز هشت اردیبهشت ۱۳۹۳ توسط ماموران وزات اطلاعات بازداشت شد. وی به حکم دادگاه انقلاب تهران به چهار سال حبس تعزیری به اتهام «تبلیغ علیه نظام» و «اقدام علیه امنیت کشور از طریق عضویت در موسسه غیرقانونی» محکوم شد و هم اکنون در بند زنان زندان اوین به سر می‌برد.

آریتا رفیع‌زاده شهروند سی و پنج ساله بهایی است که از سال ۱۳۸۱ با موسسه عالی آموزشی بهائیان همکاری و در رشته مهندسی کامپیوتر تدریس کرده است. وی در در خرداد ۹۳ در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی مقیسه به اتهام «عضویت در تشکیلات غیرقانونی و گروهک ضاله بهائیت با هدف اقدام علیه امنیت کشور از طریق فعالیت غیر قانونی در موسسه عالی آموزشی بهائیان» به چهار سال حبس محکوم و در بهمن ماه همان سال حکم زندان او در دادگاه تجدید نظر تایید شد. وی هم اکنون در زندان اوین به سر می‌برد.

پدر و مادر یک خانواده بهایی به نام‌های عادل نعیمی و **الهام فراهانی** به همراه پسرشان، شمیم نعیمی در زندان به سر می‌برند. این پدر و مادر با وجود وضعیت جسمانی نامناسب، از زمان بازداشت و محکومیت از مرخصی محروم بوده اند. الهام فراهانی که در روز ۲۱ اردیبهشت مال ۱۳۹۳ بازداشت شد، هم اکنون در حال گذراندن چهار سال حبس خود در زندان اوین است.

آتنا فرقدانی نقاش و فعال حقوق کودکان است که در زندان اوین به سر می برد. وی برای نخستین بار در شهریور ۱۳۹۳ به خاطر طراحی‌هایش (از جمله طرحی که از نمایندگان مجلس شورای اسلامی کشیده بود) و همچنین دیدار با خانواده‌های زندانیان سیاسی و خانواده‌های کشته‌شدگان عاشورای ۸۸ بازداشت شد. وی در پی اعتصاب غذا و پس از وخامت وضع جسمی‌اش به دستور قاضی صلواتی با قرار وثیقه تا برگزاری دادگاه از زندان آزاد شد. پس از آزادی از بازداشتگاه بند دو-الف متعلق به سپاه در آذر ماه ۱۳۹۳ وی با انتشار ویدویی به افشاگری در مورد وجود دوربین‌های مدار بسته در دستشویی‌ها و حمام‌های بند زنان در بند دو-الف سپاه پرداخت و جزئیات ضرب و شتم از سوی چند

زندان‌بان زن را بازگو کرد.

پس از انتشار این ویدیو، شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست ابوالقاسم صلواتی در هفتم دی ماه وی را بار دیگر احضار کرد. صبح شنبه بیستم دی ماه که وی برای محاکمه در دادگاه حاضر شده بود، پس از ضرب و شتم در دادگاه بازداشت شد. در خرداد ماه ۱۳۹۴ شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی، آتنا فرقدانی را با سه اتهام «اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی»، «فعالیت تبلیغی علیه نظام» و «توهین به رهبری، رئیس جمهور، نمایندگان مجلس و ماموران بند ۲ الف سپاه در حین بازجویی‌اش» به ۱۲ سال و ۹ ماه حبس محکوم کرد و بر این اساس او نیز در زندان اوین به سر می‌برد.

طاهره جعفری ۵۴ ساله در شانزدهم آبان ماه ۱۳۹۱ بازداشت و به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شد. او بیش از دو ماه در بند ۲۰۹ زندان اوین بدون ملاقات با وکیل و خانواده در انفرادی و زیر بازجویی بود و نهایتا در دی ماه ۹۱ به قید وثیقه ۱۰۰ میلیونی از زندان آزاد شد. خردادماه ۱۳۹۳ شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی مقیسه طاهره جعفری را به استناد ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی به اتهام تبلیغ علیه نظام به یک سال حبس تعزیری محکوم کرد و این حکم در دادگاه تجدیدنظر تایید شد. وی اواخر شهریور ماه سال جاری جهت تحمل حبس راهی زندان شد و هم‌اینک در بند زنان زندان اوین مشغول تحمل حبس یک ساله است. او از دیسک کمر و مشکلات قلبی رنج می‌برد و پزشکان دادستانی در بدو ورود به زندان و پس از درخواست عدم تحمل کیفر او تایید کرده اند که به مراقبت‌های مستمر پزشکی نیاز دارد و باید هر سه ماه یک بار برای درمان به بیمارستان اعزام شود اما مسوولان دادستانی با آزادی مشروط و مرخصی درمانی وی موافقت نمی‌کنند.

مریم (نسیم) نقاش زرگران ۳۶ ساله یکی از نوکیشان مسیحی است که برای نخستین بار در اسفندماه ۱۳۸۹ به دفتر پیگیری وزارت اطلاعات احضار و مورد بازجویی قرار گرفت. وی در اوایل زمستان سال ۱۳۹۱ به اتهام «اقدام علیه امنیت ملی» بازداشت شد و بر اساس حکم شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب اسلامی و به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی و اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور» به چهار سال زندان محکوم شد. نقاش زرگران پس از بازداشت جهت انگشت‌نگاری به زندان اوین منتقل و بدون هیچ گونه تفهیم اتهام به ساختمان وزرا تحویل شد. وی به مدت ۵ شبانه روز بدون بدوی‌ترین امکانات بهداشتی در این مکان بازداشت و مورد بازجویی قرار گرفت و اغلب موضوع سوالات در مورد علت افزایش اعضای کلیسای خانگی و افراد حاضر و کیفیت برگزاری مراسم در این کلیساها بود.

الهام برمکی شهروند ایرانی – قبرصی است که به اتهام جاسوسی برای انگلستان بازداشت و هم اکنون در زندان اوین به سر می‌برد. وی به تحمل هفت سال حبس تعزیری و جریمه نقدی محکوم شده است.



علی مهندی

تمامی انسان‌ها از جمله زندانیان، حقوق مشخص و غیر قابل نقضی دارند که در پیمان‌ها و میثاق‌های جهانی که عمدتاً بعد از جنگ جهانی دوم به تصویب کشورها رسیده، ذکر شده است. در سال ۱۹۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل، اعلامیه جهانی حقوق بشر را به تصویب رساند. پس از آن، دو معاهده بین‌المللی دیگر تحت عنوان میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و همچنین میثاق جهانی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به تصویب رسید. هر دو معاهده بر این امر تاکید دارند که زندانیان هنگامی که حق آزادی از آنها سلب شده و به زندان منتقل شده‌اند، حقوقی دارند.

معاهده بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به شکل مشخص تاکید دارد که با زندانیان محروم از آزادی باید با انسانیت رفتار کرده و به کرامت شخصی و انسانی آنها احترام گذاشت.

در سال ۱۹۵۵ سازمان ملل قوانینی را برای تعامل با زندانیان و شرایط نگهداری آنها و همچنین قواعد مربوط به اصول بهداشتی زندان‌ها به تصویب رساند. شورای اقتصادی – اجتماعی سازمان ملل، ۹۴ قاعده کلی را برای حمایت از زندانیان وضع کرد. اجرای این قواعد کلی در سال ۱۹۷۷ تغییر کرد تا بدین ترتیب قوانین کلی حمایت از زندانیان، شامل بازداشتی‌های موقت و افرادی شود که در مکان‌هایی غیر از زندان تحت مراقبت قرار داشته و از آزادی‌های معمول انسانی محروم هستند.

در سال ۱۹۸۴ سازمان ملل توافق‌نامه جهانی منع شکنجه و رفتار غیر انسانی با زندانیان را به تصویب رساند. یک سال بعد و در ۱۹۸۵ قوانین جهانی تعامل با مجرمان زیر سن قانونی به تصویب رسید و در سال ۱۹۹۰ سازمان ملل قواعد موسوم به «پکن» را وضع کرد که هدف از آن حمایت از کودکان مجرم بود. تمامی این معاهدات بین‌المللی، دولت‌ها را مسوول رسیدگی به امور زندانیان دانسته و موفقیت یا عدم موفقیت در تامین حقوق اساسی زندانیان و فراهم کردن زندان‌هایی با استانداردهای لازم را از وظایف دولت‌ها برشمرده است.

احترام به حقوق بشر و رعایت این موضوع که زندانیان نیز

زندان استاندارد چه شرایطی باید داشته باشد؟

بسان افراد عادی حقوقی دارند که تحت هر شرایطی باید به آنها احترام گذاشته و از نقض حقوق زندانیان خودداری کرد، از مهم‌ترین سرفصل‌های قوانین مربوط به زندان‌ها و زندانیان است. لزوم رعایت حقوق زندانیان مطابق معاهدات بین‌المللی باعث شد تا اتحادیه اروپا کمیته‌ای ویژه را تاسیس کند که کار آن پیگیری و رسیدگی به موارد شکنجه زندانیان یا سوء مراقبت از آنها توسط دولت‌ها و همچنین نظارت بر شرایط زندان‌ها به خصوص از نظر بهداشتی و سلامتی است.

شرایط استاندارد زندان‌ها

زندانیان در زمان بازداشت امکان حمایت از خود را ندارند و این مسوولیت دولت است که فضای مناسبی برای زندگی آنها در حبس فراهم کرده و شرایط بهداشتی و انسانی را در مکان‌های نگهداری زندانیان رعایت کند.

معاهدات بین‌المللی بر این امر صراحت دارند که زندانیان در زمان گذراندن دوران محکومیت خود باید در زندان‌هایی نگهداری شوند که شرایط بهداشتی و انسانی در آن مانند خارج زندان باشد. با توجه به اینکه در اغلب اوقات، زندانی در هنگام ورود به زندان از مشکلی جسمی یا روحی رنج می‌برد، شرایط نامساعد زندان می‌تواند وضعیت زندانی را به مراتب بدتر از زمان آزادی او کند. به همین دلیل قواعد و قوانین مربوط به حفظ سلامت زندانیان در زندان در معاهدات بین‌المللی اهمیت بسزایی دارد. با این حال، کشورهای زیادی نیز هستند که امکانات زیادی در مورد بهداشت عمومی ندارند و این امر به زندان‌ها نیز سرایت کرده و زندانیان در این کشورها در شرایط بسیار بد بهداشتی و روحی نگهداری می‌شوند.

بر اساس معاهدات بین‌المللی، یک زندان باید امکانات و شرایطی داشته باشد تا نگهداری از زندانی در آن، با اصول مربوط به کرامت انسانی در تضاد نباشد:

– محل نگهداری زندانیان باید برای تمامی افراد امن و بهداشتی باشد

– افراد زندانی نباید در معرض خشونت و یا نفرت‌پراکنی قرار

گیرند

– بهداشت روانی و جسمی زندانیان باید فراهم شده و در صورت نیاز زندانی به دارو، تا جایی که امکان دارد به صورت مجانی در اختیارش قرار گیرد

– هر زندانی در بدو ورود به زندان باید از نظر سلامت مورد بررسی قرار گیرد

– زندانیانی که در هنگام ورود به زندان تحت معالجه پزشکی خارج از زندان بودند باید بتوانند روند درمان را در داخل یا خارج زندان ادامه دهند

بر اساس مصوبه سال ۱۹۵۵ سازمان ملل موسوم به مصوبه ژنو، زندان‌ها باید امکانات زیر را برای زندانی فراهم کنند:

۱- با تمامی زندانی‌ها به هر دلیلی که زندانی شده باشند، باید رفتاری توأم با انسانیت و حفظ کرامت آنها داشت.

۲- حقوق تظلم‌خواهی باید برای زندانی فراهم باشد. زندانی باید در نزدیک‌ترین وقت ممکن بعد از بازداشت، شهادت داده و تفهیم اتهام شود. زندانیان همچنین باید از حق داشتن وکیل برخوردار بوده و در زندان حقوق‌شان به آنها تفهیم شود.

۳- زندان باید امکاناتی را برای زندانیان خارجی که زبان بلد نیستند فراهم کند.

۴- زندانیان باید امکان ارتباط با خانواده خود را داشته باشند و باید بتوانند بلافاصله بعد از انتقال به زندان، محل نگهداری خود را به خانواده‌هایشان اطلاع دهند.

۵- محل نگهداری زندانی باید نزدیک به خانواده‌اش باشد و زندانی باید در زندان از امکان دیدن افراد خانواده خود بهره‌مند شود.

۶- مسوولین زندان باید به باورهای مذهبی زندانی احترام گذاشته و شرایط را برای اعمال دینی و مذهبی فرد آماده کنند.

۷- در هر سلول باید یک زندانی نگهداری شود و تمامی وسایل و ادوات بهداشتی لازم برای زندگی باید در اختیار زندانی قرار داشته باشد.

۸- سلول و محل نگهداری زندانی باید شامل استانداردهای حجمی بوده و از سرویس‌های بهداشتی تمیز و پاکیزه برخوردار باشد.

۹- زندان‌ها باید امکان رعایت بهداشت فردی را برای زندانی‌ها فراهم کنند.

۱۰- زندان‌ها باید وعده‌های غذایی منظم و مفید برای زندانی داشته باشند تا سلامت افراد در زمان سپری کردن دوران

محکومیت‌شان حفظ شود.

۱۱- هر زندانی حق دارد حداقل یک ساعت در هوای آزاد ورزش کند.

۱۲- زندان‌ها باید امکانات پزشکی لازم برای مراقبت از زندانی‌ها را داشته باشند. در این زمینه وجود دکترها و روان‌کاوها برای مراقبت از زندانی‌ها مورد اشاره قرار گرفته است.

۱۳- مسوولین زندان‌ها نباید از غل و زنجیر و لباس‌ها نامناسب و آزاردهنده برای مجازات زندانی‌ها استفاده کنند.

۱۴- زندانی‌ها باید امکانات ارتباط با دنیای خارج و کسب اطلاع را داشته باشند و باید در جریان اتفاقات بیرون از زندان بوده و از مطالعه جراید و مجلات روز محروم نشوند.

۱۵- زندان‌ها باید مجهز به تلفن و وسایل ارتباط جمعی باشند تا زندانی‌ها بتوانند در فواصل زمانی مشخص با افراد خانواده یا دوستان‌شان در تماس باشند.

۱۶- هر زندانی باید دارای کتاب‌خانه باشد و زندانی‌ها باید تشویق شوند تا کتاب‌های مختلف را مطالعه کنند.

۱۷- وسایل شخصی زندانی در هنگام ورود به زندان باید به شکل امانت نگهداری شده و در هنگام خروج زندانی از زندان، وسایل به او پس داده شود.

۱۸- زندانی باید این امکان را داشته باشد تا در هنگام بروز بیماری‌های سخت و خطرناک یا شرایط روحی نامساعد به مراکز پزشکی بیرون از زندان منتقل شود و این انتقال باید به گونه‌ای صورت پذیرد که زندانی هر چه کم‌تر در معرض انظار عمومی باشد.

۱۹- بازرسی از زندان‌ها و سلول‌ها باید توسط افراد متخصص با رعایت کرامت انسانی افراد صورت پذیرد.

۲۰- زندان‌ها باید شرایط تشویقی مشخص و منظمی داشته باشند تا بدین ترتیب زندانیان به داشتن حس مسوولیت و رفتار بهتر در زندان تشویق شوند.

۲۱- زندانی‌ها نباید در معرض کارهای دردناک و خشن و یا کار اجباری قرار گیرند.

۲۲- زندان‌ها باید شرایط آموزشی مناسبی برای آن دسته از زندانیان داشته باشند که قصد دارند از مدت محکومیت برای علم‌اندوزی یا تحصیل دانشگاهی استفاده کنند.

کار زندان‌ها پس از خاتمه محکومیت فرد تمام نمی‌شود بلکه مسوولین زندان‌ها باید با زندانیان آزاد شده در ارتباط بوده و به آنها کمک کنند که هر چه سریع‌تر بتوانند به جامعه بازگشته و کار و منبع درآمدی پیدا کنند.

۲۳- نگهداری افرادی که جنون یا مشکلات روحی حاد دارند

در زندان ممنوع است و این قبیل افراد باید در اسرع وقت به بیمارستان‌های مخصوص نگهداری بیماران روحی منتقل شوند.

مصوبات بین‌المللی به خصوص معاهده ژنو، در مورد کارکنان زندان‌ها و افرادی که مسوول نگهداری از زندانیان هستند نیز قوانین واضحی دارد:

– اداره زندان‌ها باید تدابیری داشته باشد تا رفتار زندان‌بان‌ها را مورد ارزیابی قرار داده و توانایی‌های فردی و پایبندی آنها به اصول انسانی را تحت نظارت داشته باشد.

– زندان‌بان‌ها و کارکنان زندان باید به خوبی توجیه شده باشند که شغل آنها یک شغل مهم مربوط به خدمات اجتماعی است و تحت هیچ شرایطی نباید اصول انسانی تعامل با دیگر انسان‌ها زیر پا گذاشته شود.

– کارکنان زندان‌ها باید از حقوق مکفی برخوردار بوده و ساعات منظم و مشخصی را به کار مشغول شوند تا امکان به فساد کشیده شدن این افراد کم شود.

– افرادی که در زندان‌ها استخدام می‌شوند باید دوره‌های ویژه‌ای را سپری کرده باشند و توانایی‌های آنها در شرایط مختلف باید مورد ارزیابی قرار گرفته شده باشد.

– مدیر زندان باید کاملاً شایستگی اخلاقی و رفتاری لازم برای تصدی پست مربوطه را دارا بوده و تمام وقت او باید صرف مدیریت زندان شود و نباید به کار پاره‌وقت یا تمام وقت دیگری مشغول باشد.

– مدیر زندان باید حتی‌الامکان داخل زندان یا در نزدیکی آن زندگی کند.

– مدیر زندان و کارکنان آن باید دیدارهای منظمی با زندانی‌ها داشته باشند و به نیازهای آنها رسیدگی کنند.

– زندان‌ها باید مجزا بوده و محکومین زن از مرد جدا نگهداری شوند. در صورتی که امکان چنین امری فراهم نبود، در داخل زندان‌ها باید قسمت‌هایی برای جداسازی زندانیان زن و مرد از یکدیگر ایجاد شود.

– نگهداری و نظارت بر زندانیان زن باید صرفاً در اختیار زندان‌بان‌ها و کارکنان زن باشد، هر چند این امر مانع از این نیست که دکترها و معلم‌های و دیگر کارکنان مرد به نیازهای زندانیان زن رسیدگی کنند.

– زندان‌بان‌ها و کارکنان زندان نباید از خشونت علیه زندانیان استفاده کنند، مگر در شرایطی که مجبور به دفاع از خود باشند. در صورت استفاده از خشونت علیه زندانیان باید سطح خشونت کنترل شده باشد و بلافاصله به مدیر زندان گزارش شود.





درمان حق زندانیان است

مانا مسرور

«عدم رسیدگی پزشکی» و دسترسی به امکانات مناسب پزشکی از جمله مهم‌ترین معضلات زندان‌ها در ایران به ویژه برای زندانیان سیاسی است که با مشکلات مضاعفی نسبت به حکم صادر شده در زندان تحمل کیفر می‌کنند. در طول سالیان گذشته مساله حتی منجر به مرگ زندانیان در زندان شده است.

بنابر گفته‌های زندانیان در بیش‌تر زندان‌ها امکانات پزشکی از جمله دارو، امکانات تخصصی پزشکی، دکتران مجرب و متخصص در امور مختلف پزشکی و... وجود ندارد. با این وجود گرفتن دارو بیرون از زندان یا اعزام شدن به مرخصی استعلاجی یا مراجع پزشکی با مشکلات عدیده روبرو است. به طور معمول روانه شدن مرخصی استعلاجی یا اعزام زندانی به بیرون از زندان در گرو نظام بروکراسی و موافقت مقامات مختلف است که به خصوص در مورد زندانیان سیاسی که سخت‌گیری بیش‌تری بر آنان اعمال می‌شود، طولانی است. در این بین زندانیان به علت عدم رسیدگی

به موقع پزشکی دچار مشکلات بیش‌تر شده و در مواردی با پیش‌رفت بیماری یا سخت‌تر شدن دوره‌ی درمان مواجه می‌شوند.

این در حالی است که بر اساس ماده ۲۱۶ آیین‌نامه سازمان زندان‌ها «محکومینی که بنا به تشخیص پزشک زندان نیاز به بستری شدن در مراکز درمانی خارج از زندان را دارند بدون در نظر گرفتن شرایط مذکور در ماده ۲۱۴ می‌توانند برای یک دوره معالجه، جهت بستری‌شدن از مرخصی استفاده نمایند و در صورت نیاز به ادامه بستری بیش از یک ماه بنا به تشخیص بیمارستان و تایید پزشکی قانونی قابل تمدید است در این صورت باید تاریخ و محل بستری مشخص گردد تا در صورت لزوم از طرف یگان حفاظت زندان بازدید و سرکشی بعمل آید».

حسین رونقی ملکی از جمله زندانیان سیاسی است که به خاطر عدم رسیدگی به موقع پزشکی دچار مشکلات عدیده‌ای در طول حدود ۶ سال زندانش شده است. وی با وجود نیاز مبرم به مرخصی استعلاجی و درمان در مراکز

تخصصی در سال‌های ابتدایی زندان به مرخصی اعزام نشد که این موجب وخیم‌تر شدن و پیشرفت بیماریش شد. طی سال‌های گذشته نیز پزشکی قانونی با تایید بیماری وی نامه «عدم تحمل کیفر» وی را صادر کرد. بر همین اساس وی چندین بار به مرخصی درمانی اعزام شد، اما با وجود نیاز به طی کردن مراحل درمانی و در حالی بر اساس پرونده و دیگر موارد مثل مشمول شدن عفو رهبری نباید به زندان باز می‌گشت، طی ماه‌های گذشته به خاطر عدم به اجرا گذاشته شدن وثیقه‌ی بالای یک میلیاردی‌اش بار دیگر با فشار دستگاه قضایی و دیگر نهادها به زندان بازگشت.

خانواده‌ی حسین رونقی رفتن او را بر اساس «نامه کمیسیون پزشکی مبنی بر عدم تحمل کیفر» و همچنین بر این اساس که وی جزو زندانیان بود که مشمول «عفو رهبری» شده بود «غیرقانونی» عنوان می‌کنند. مادر حسین رونقی در گفت‌وگو با حقوق ما با اشاره به این که حسین رونقی نباید در زندان باشد و نیاز به درمان دارد گفت: «داروهایی را که برای او فرستاده بودیم به او نداده بودند. در این دو ماه که به زندان برگشته با مشکل دارو مواجه بوده است. محیط زندان با توجه به بیماری اصلاً برای حسین مناسب نیست. این مساله‌ای است که دکترها عنوان کرده‌اند. حتی خود مسوولین بهداری زندان اوین گفته‌اند که ما نمی‌توانیم کاری برای او بکنیم و امکانات لازم اینجا را نداریم. اما با این وجود حسین را در زندان نگه داشته‌اند».

حسین رونقی ملکی که از تاریخ ۲۲ آذر ماه ۱۳۹۲ بازداشت شده در طول دوره‌ی زندانش چندین بار به خاطر عدم رسیدگی پزشکی دست به اعتصاب غذا زد. اتفاقی که برای سعید حسین‌زاده دیگر زندانی محبوس در زندان اوین نیز افتاده است. این زندانی از اوایل اسفند ماه در اعتراض به «عدم رسیدگی پزشکی» نسبت به خود دست به اعتصاب غذا زده؛ در حالی که پزشکان تایید کرده‌اند که وی به خاطر «رماتیسم مفصلی که به قلبش سرایت کرده و نیاز به معالجه مستمر دارد» امکان تحمل کیفر را ندارد. اعتصاب غذای این زندانی در حالی که از شرایط بد جسمی رنج می‌برد موجب وخیم‌تر شدن سلامتی وی شد؛ تا این که وی در روز ۲۱ اسفند ماه به اعتصاب غذای خود پایان داد و در روز ۲۴ اسفند ماه برای سه روز به مرخصی آمد. (در زمان تنظیم این گزارش مشخص نیست که مرخصی وی با توجه به نیاز مبرمش تمدید خواهد شد یا خیر)

یکی از وکلای فعال در داخل ایران که نخواست نامش فاش شود مسوولیت حفاظت از جان و سلامت زندانیان را متوجه سازمان زندان‌ها دانست: «هر اتفاقی برای زندانیان در این

خصوص به سازمان زندان‌ها مربوط است، آن‌ها باید شرایط بهداشتی و ارایه خدمات پزشکی را برای زندانیان آماده کنند و در صورتی که در زندان امکانش نیست مقدمات اعزام او به خارج از زندان یا مرخصی درمانی را فراهم کنند».

با این وجود شاهد آن هستیم که نهادهایی خارج از زندان در بسیاری موارد اجازه اعزام به بیمارستان یا مرخصی درمانی را به زندانی نمی‌دهند.

یکی از زندانیان سابق زندانی سیاسی بند زنان زندان اوین در خصوص تجربه‌ی شخصی‌اش می‌گوید: «بهداری زندان اوین به طوری کلی یک پزشک متخصص داخلی، دو دندان‌پزشک و یک متخصص زنان دارد. هر کدام از این‌ها دو هفته یک بار و گاه ماهی یک بار می‌آیند. حرف‌شان این است که قانون این است و کسی را به خاطر کاری که داخل خود زندان انجام می‌شود، بیرون از زندان نمی‌فرستیم. در حالی به معنای واقعی کلمه افتضاح هستند. به شخصه به من دو بار حمله‌ی قلبی دست داده بود و پزشک متخصص داخلی از من نوار قلب گرفته بود. من چندبار در ساعت اداری رفتم؛ چون فقط در ساعت اداری پرسنل خاتم برای این کارها دارند و اگر پرسنل خانم نباشد، اصلاً به لحاظ شرعی انجام نمی‌دهند. در آن نوار قلب نشان نداده بود و به دکتر می‌گفتم بنویسید که بیرون از زندان اعزام شوم، اما این کار را نمی‌کرد».

این زندانی سابق به وضعیت بسیار بد دندان‌پزشکی بهداری زندان اوین اشاره کرد: «دندان‌پزشکی آن قدر کثیف است که بچه‌ها ترجیح می‌دهند، درد بکشند و آنجا نروند. پزشک داخلی حتی به بیمار نگاه نمی‌کند و بچه‌ها را مسخره می‌کند. نسخه نمی‌نویسد. وی همان کسی است که اکثر اعزام‌ها از زیر دست او رد می‌شود. به طور کلی می‌گویند ما امکانات داریم و اگر به بیرون از زندان بفرستیم دادستانی به ما ایراد می‌گیرد. این در حالی است که خانم‌ها را به دلایل شرعی اصلاً در بهداری زندان اوین بستری نمی‌کنند».

حق درمان زندانیان از جمله حقوق اساسی و ابتدایی هر زندانی است که در قوانین داخلی، بین‌المللی و اسناد حقوق بشری به صراحت به آن اشاره و در مورد آن تاکید شده است. حق حیات، بهداشت و درمان به طور کلی جزو حقوق همگانی است و زندانی بودن تاثیری در این حقوق ندارد و رعایت آن الزامی است؛ اما با تمام این‌ها مسوولان سازمان زندان‌ها و مقامات قضایی و در بسیاری موارد نهادهای امنیتی از رعایت این حقوق سر باز می‌زنند، به طوری که گاه به مرگ زندانیان نیز انجامیده است.

زمینه‌های حقوق، حقیقه و فرهنگِ نقض حقوق زندانیان در ایران

امید رضایی

پژوهش یا گزارش جامعی از وضعیت زندان‌های ایران از لحاظ رعایت حقوق زندانی وجود ندارد. هرچه هست، خبرهای پراکنده و گزارش‌های فردی است. گزارش‌های فعالان و سازمان‌های طرفدار حقوق بشر، اعم از گزارش‌های گزارش‌گر ویژه حقوق بشر در ایران، گزارش‌های دبیرکل سازمان ملل متحد، گزارش‌های عفو بین‌الملل و دیگر نهادهای حقوق بشری، لاجرم مستند به اطلاعاتی است که از زندانی‌ها (به‌خصوص زندانیان سیاسی) گرفته می‌شود، و یا مستند به اخبار منتشر شده در وبسایت‌های وابسته به جریان‌های سیاسی است.

دولت ایران، اجازه انجام پژوهش‌های مستقل و جامع درخصوص وضعیت زندان‌ها را نمی‌دهد. یک دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزاء در ایران که مایل به ذکر نامش نیست به «حقوق ما» می‌گوید به او اجازه نداده‌اند اخبار و اطلاعاتی را که از وضعیت زندان‌های یکی از استان‌های ایران به دست آورده بود، در پایان‌نامه‌اش بیاورد.

اطلاع‌رسانی از زندان‌ها هم برای زندانیان هزینه‌های سنگین دارد.

آتنا فرقدانی، فعال حقوق کودک و نقاش زندانی، پس از

آزادی به قید وثیقه، وقتی از آزار و اذیت خود در دوران بازداشت موقت پرده برداشت، به ۱۲ سال حبس قطعی محکوم شد.

همچنین اعتراض خانواده‌های زندانیان سیاسی در فرودین اردی‌بهشت سال ۹۳ به ضرب‌و‌شتم زندانیان بند ۳۵۰ اوین، خود به دستگیری، محاکمه و زندانی شدن خانواده‌ها و دوستان زندانیان این بند ختم شد.

وضعیت سخت‌تر برای زندانیان غیرسیاسی

آن‌چه در رسانه‌ها منتشر می‌شود، معمولاً به نقض حقوق زندانیان سیاسی مربوط است. بهار محمدی حقوق‌دان ساکن ایران به «حقوق ما» می‌گوید: «وضعیت برای زندانیان عادی به مراتب بدتر است. به این دلیل که آن‌ها کم‌تر به حقوق خود آشنایی دارند و کم‌تر به نقض حقوق‌شان اعتراض می‌کنند. همچنین حمایتی که جامعه، رسانه‌ها و فعالان حقوق بشر از زندانیان سیاسی می‌کنند، از آن‌ها نمی‌کنند.»

به گفته این حقوق‌دان، ضرب‌و‌شتم متهمان به اتهاماتی چون قتل و سرقت در بازداشت‌گاه‌های موقت اداره آگاهی و کلانتری‌ها، رویه‌ای عادی و پذیرفته شده است، همه از آن آگاهند و کسی به آن اعتراض نمی‌کند. محمدی

می‌گوید: «از آن‌جا که اقرار متهم در دادرسی ما ارزش زیادی دارد، متهم را در بازداشت‌گاه زیر انواع شکنجه، به‌خصوص ضرب و شتم، وادار به اقرار علیه خودش می‌کنند تا سر و ته پرونده را هم بیاورند. شکنجه متهم در این بازداشت‌گاه‌ها حتی به قصد کشف حقیقت نیست، فقط برای معرفی یک نفر به عنوان مقصر و خلاص شدن از شر پرونده است. بازپرس و قاضی از جنس همین سیستم هستند و توجهی نمی‌کنند که حتی طبق همان آیین دادرسی، شرایطی که اقرار ارزش قانونی دارد در نظر گرفته نشده. به همین اقرارها استناد می‌کنند و حکم می‌دهند.»

از طرف دیگر، در بندهای زندانیان سیاسی، نوعی احساس هم‌دلی و برخورداری از هدف مشترک، باعث به‌وجود آمدن فضایی دوستانه می‌شود. اما در بندهای زندانیان عادی این‌طور نیست. محمدی می‌گوید: «مناسبات قدرت در خارج از زندان، در آن‌جا هم وجود دارد. مثلاً زندانیان گنگ‌های خود را دارند و کسی که نخواهد عضو این گنگ‌ها باشد، از عهده مسایل روزمره‌اش در زندان برنخواهد آمد». این حقوق‌داد معتقد است ناتوانی زندان‌بانان از تامین امنیت زندانیان، باعث به‌وجود آمدن و گسترش و قدرت‌مند شدن این گنگ‌ها می‌شود و

زندان‌بان از حقوق و امنیت زندانیانی که نمی‌خواهند به گردن کلفت‌های زندان باج بدهند، دفاع نمی‌کنند. این حقوق‌دان همچنین می‌گوید: «دسترسی به غذای سالم و کافی در زندان بسیار مشکل است. غذایی که زندان‌بان به زندانیان می‌دهد، بسیار بی‌کیفیت است و به رژیم‌های غذایی خاص و حساسیت‌ها هیچ توجهی نمی‌شود. مثلاً اگر زندانی گیاه‌خوار باشد، هیچ شانس برای ادامه رژیم غذایی خود در زندان ندارد.»

بنا بر گزارش‌های مختلف دریافتی از زندان، قیمت مواد غذایی خامی که در فروشگاه‌های زندان عرضه می‌شود، آن‌قدر بالاست که خیلی از زندانیان امکان خرید آن را ندارند و ناچارند به غذای بی‌کیفیت زندان تن بدهند. وضعیت بهداشتی، مساله دیگری است که زندانیان از آن رنج می‌برند. محمدی می‌گوید: «هرچند آمار دقیقی وجود ندارد، پژوهشی انجام نشده و بازرسی معین و سازمان‌یافته‌ای نداریم، اما بنا به شنیده‌ها، در خیلی از زندان‌ها و به‌خصوص بازداشت‌گاه‌های موقت، زنان در دوران پرید از امکانات بهداشتی محروم هستند.»

بنا به گزارش‌های مختلف، سرویس‌های بهداشتی در همه زندان‌ها کم است و زندانیان دسترسی به پزشک و درمان‌گاه محرومند. بسیاری از زندانیان در طول دوران زندان و پس از آزادی، درگیر بیماری‌های پوستی، عفونی

و گوارشی ناشی از وضعیت بهداشتی دوران حبس هستند. همچنین در زندان‌های ایران دسترسی به روان‌پزشک و روان‌کاو به افسانه شبیه است. این درحالی است که محمدی می‌گوید: «اولا فردی که مرتکب جرم شده و به حبس محکوم می‌شود، ممکن است از قبل مبتلا به بیماری‌های روانی باشد. در ایران برخلاف سیستم‌های قضایی پیشرفته دنیا، این مساله لحاظ نمی‌شود و فقط یک معیار صفر و صدی برای تشخیص جنون وجود دارد. علاوه‌بر آن شرایط سخت محاکمه و محیط پرتنش زندان به مشکلات روانی زندانیان می‌افزایند. زندانی باید به طور مداوم تحت مراقبت روان‌کاو باشد. در زندان‌های ما، تعداد روان‌کاوها و روان‌پزشک‌های زندان آن‌قدر کم است که کل قضیه به نوعی رفع تکلیف می‌ماند و کسی آن را جدی نمی‌گیرد».

حقوقی یا حقیقی؟

اما این میزان نقض حقوق متهم و مجرم در بازداشت‌گاه‌های موقت و زندان‌ها، ناشی از چیست؟ آیا در قوانین مربوط به نگهداری زندانیان، احترام به کرامت انسانی آن‌ها لحاظ نشده و قانون به زندان‌بان اجازه می‌دهد که هرطور خواست به متهم یا مجرم برخورد کند و یا نقض حقوق بشر در زندان‌ها، ریشه در نادیده گرفتن قوانین دارد؟ محمدی، حقوق‌دادن، به «حقوق ما» می‌گوید: «اگر بخواهیم کلی به موضوع نگاه کنیم و از جزییات صرف نظر کنیم، در قوانین مربوط به نگهداری زندانیان، کرامت انسانی و حقوق اولیه آن‌ها درنظر گرفته شده. همچنین قانون بالادستی، یعنی قانون اساسی هم به کرامت انسانی احترام می‌گذارد و می‌توان به آن هم استناد کرد؛ اما در زندان هم مثل خیلی جاهای دیگر، قوانین رعایت نمی‌شوند. برخوردها سلیقه‌ای است و نظارتی هم وجود ندارد. مرجعی برای رسیدگی به شکایات وجود ندارد یا اگر دارد، خودش هم فاسد است. مثل خیلی جاهای دیگر، برای آن بخشی از قانون که به حقوق مردم در برابر نماینده قانون اشاره دارد، کسی تره هم خرد نمی‌کند».

واقعیت این است که رابطه زندانی با زندان‌بان، اعم از رییس زندان، مامور دادگاه، بازپرس، بازجو، قاضی و حتی سرباز زندان، نوعی رابطه قدرت است که زندانی همیشه در موقعیت فرودست قرار دارد. اگر قانون و نماینده آن از زندانی حمایت نکنند، طرف بالادستی رابطه قدرت – زندان‌بان – فرصت نقض حقوق اولیه او را پیدا می‌کند. رعایت نکردن قانون البته تنها مجرای نقض حقوق زندانی

نیست. محمدی می‌گوید: «قانون خوب قانونی است که امکان برداشت‌های مختلف را تا حد امکان از مجری بگیرد. اما متن اکثر قوانین ما صریح نیست و مجری قانون هرطوری می‌تواند آن را تعبیر کند. با همین قوانین موجود، من می‌توانم برخوردی انسانی با زندانیان داشته باشم و فرد دیگری می‌تواند آن را طور دیگری تعبیر کند و شرایط را برای زندانیان سخت کند».

به گفته این حقوق‌دان، صریح نبودن نص قانون باعث شده مجری بتواند هر برداشتی از آن بکند: «بیشتر قوانین موجود ما، از جمله قوانین مربوط به نگهداری زندانی، دقیق نیستند و زمینه آزار و اذیت زندانی را فراهم می‌کنند. مثلا مجری می‌تواند با متهم یا مجرم تسویه‌حساب شخصی کند و درعین حال آن را برداشت خود از قانونی بی‌چفت‌وبست و غیردقیق نشان دهد».

زمینه‌های فرهنگی

خرده‌فرهنگ‌های غالب در ایران هم در نقض حقوق زندانیان بی‌تاثیر نیستند. باور عمومی بخش‌هایی از جامعه ایران این است که «زندان به واسطه مجرم بود، مستحق هرنوع برخوردی است». در باور آن‌ها، عبارت «کرامت انسانی و حقوق زندانی»، ترکیبی متناقض است. محمدی، حقوق‌دان، به «حقوق ما» می‌گوید: «وقتی از حقوق زندانی، لزوم دسترسی او به بهداشت، تغذیه مناسب، وکیل، کتابخانه، بازپروری و ... حرف می‌زنیم، واکنش بیشتر مردم این است که زندان است، مهمانی که نیست. این درحالی است که به لحاظ حقوقی، مجازات زندان فقط به معنی سلب آزادی جابجایی فرد است و قرار نیست دیگر حقوق انسانی او نقض شود».

فساد، ریشه بی‌قانونی

محمدی، حقوق‌دان، معتقد است فساد، ریشه رعایت نکردن قانون، و در نتیجه نقض حقوق زندانی است: «فساد سیاسی، اداری، اقتصادی و...، به‌خصوص در قوه قضاییه ایران، بیداد می‌کند. مثلا زندانی‌ای که رشوه بدهد، بخش زیادی از حقوق خود و حتی فراتر از آن را تضمین کرده است. نهادهای ناظر و بالادستی خود درگیر فسادند».

این حقوق‌دان نهایتا معتقد است آگاهی مردم نسبت به حقوق خود، به‌خصوص وقتی در جایگاه متهم یا مجرم قرار می‌گیرند، و همین‌طور آموزش آن‌ها در مورد این که چطور به چرخ‌دنده ماشین فساد تبدیل نشوند، بهترین راه تضمین حقوق زندانیان در ایران است.

فرزندان موسوی و رهنورد: جان‌مادرمان

در خطر است؛ کسے پاسخ‌گو نیست



فرزندان میرحسین موسوی و زهرا رهنورد با انتشار نامه‌ای نسبت به وضعیت مادرشان در حصر ابراز نگرانی کردند. متن این نامه که در سایت کلمه منتشر شده، به شرح زیر است: ما دختران موسوی و رهنورد به اطلاع می‌رسانیم:

۱ . هم اکنون حال عمومی زهرا رهنورد در شرایط مساعدی قرار ندارد. او از بیماری گوارشی و مشکل جدی بلع رنج می‌برد که پیشتر بی‌سابقه بوده است و با عدم پیگیری زندان‌بانان شرایط جسمی وی بدتر نیز شده است. لازم به ذکر است که پزشک اطلاعات از قریب دو ماه گذشته از وضع ایشان باخبر بوده است، اما به این مساله بی‌توجهی نشان داده و یا برخلاف تعهدات انسانی و پزشکی پنهان کرده است. متاسفانه در ملاقات اخیر در مقابل دوربین‌ها، فرستنده‌ها و گیرنده‌ها و مامور حاضر موقعیت بحرانی‌تر نیز شد.

۲ . در ماه گذشته از دو محصور بدون نشان دادن هیچ نسخه و برگه‌ای آزمایش‌های نامشخصی گرفته شده است که نه تنها معلوم نیست به دستور کدام شخص یا ارگان گرفته شده و نیز نه تنها معلوم نیست که خود آزمایش‌ها برای چه بوده است، بلکه نتایج این آزمایش‌ها هم به خود محصورین و اعضای خانواده ارائه نشده و سرتیم زندان‌بان‌ها با بهانه‌های متنوع از پاسخ دادن سرپیچی می‌کند.

۳ . در پاسخ شکایت ما فرزندان این دو محصور در خصوص عدم پیگیری عامدانه درمان قلب پدر و تعویق انجام چکاپ‌های روتین قلب (که بیشتر به سوءقصد به جان ایشان شبیه است و در طول ۵ سال گذشته از جمله دو ساله اخیر شاهد مواردی نظیر عدم پیگیری درمان و نیز امحاء اطلاعاتی دستورات پزشکی از سیستم بیمارستانی و مواردی دیگر مواجه بوده ایم که در شرایط مقتضی با اسناد مربوطه به اطلاع عموم خواهیم رساند)، تنها پاسخی که داده شد، این بود که ما زودتر از ۶ ماه یک بار پیگیری نمی‌کنیم و این مهم را فعلا به زمان نامشخصی در فروردین سال آینده موکول کرده‌اند.

۴ . زندان‌بانان درحالی‌که دوربین‌ها و شنودها و انواع وسایل پنهان و آشکار اطلاعاتی حتی کوچک‌ترین جزییات داخل خانه، حیاط و کوچه اختر از جمله صحبت درباره یک تابلوی نقاشی مادر را زیر نظر دارند و در حالی‌که قفل و کلید تمام درهای داخل و بیرون و میله‌ها در دست ایشان است، مدعی‌اند که از بیماری آنها

بی‌خبر هستند. و چون بی‌خبر هستند مسوولیتی هم به عهده ندارند در حالی‌که لزوم وجود پزشک اورژانس برای کسانی که امکان دسترسی مطابق نیاز پزشک در زمان لازم و ضروری ندارند وجود دارد و این امر مورد تایید پزشک امین نیز هست، زندان‌بانان از این ضرورت نیز سلب مسوولیت می‌کنند و در کل با محاجه‌ی مدام و تکرارشونده مدعی عدم ارتباط با ریز و درشت مسایل این حصر غیرانسانی با خود هستند. این درحالی است که هم اکنون همین روند ناقص با باوقفه هم دور از چشم ما و یا پزشک امین از خانواده بوده است.

جای سوال این است که پس این چه نوع مسوولیتی است که از مجموعه‌ی خود، آن هم با همه امکانات ریز و درشت که هر فرد نیمه آگاه به مسایل امنیتی هم متوجه آن است، بی‌خبر مانده و اگر باخبر است با چه نیتی آن را انکار می‌کند؟ و اصولا اگر آن انبوه وسایل اطلاعاتی درست کار نمی‌کند چه لزومی برای وجود و نصب و استفاده آنهاست؟ و دست کدام ارگان و نهاد و فردی چنین بی‌محابا و بی‌مانع به زندگی عزیزان محصور باز است؟ و آیا در مجموعه‌ی صاحبان قدرت و اختیارات در رده‌های و حیطه‌های مختلف آشکار و پنهان، پس چه کسی باید جواب‌گو و پیگیر اتفاقات و این‌همه مسایل باشد؟

۵ . در خصوص پیگیری حال زهرا رهنورد و اهمال عامدانه‌ی کادر زندان‌بانی نسبت به درمان ایشان و ظن ما فرزندان زهرا رهنورد و میرحسین موسوی به فضای ناسالم حصر مخوف و بی‌نظارت اختر، در کنار شکنجه‌ی سفید ۶ ساله حصر، در ملاقات اخیر سرتیم زندان‌بان‌ها به خود اجازه داد به زهرا رهنورد معترض شود که به چه دلیل شرح حال جسمی خود را به دختران خود داده‌اید و از این به بعد باید از من درخواست داشته باشید و دخترانتان کاری برای شما نمی‌توانند انجام دهند که با اعتراض جدی زهرا رهنورد روبه‌رو شد. تاکید رییس زندانبانان در مورد «درخواست» درحالی صورت می‌گیرد که محصورین تاکنون خواسته‌ای از هیچ یک از آمرین و مجریان حصر غیرقانونی نداشته‌اند و نخواهند داشت و آنها به لطف الهی در این شرایط ستمگرانه مصداق ایه الذین قالو ربنا الله ثم استقاموا هستند. به دنبال این گفت‌وگو دکتر رهنورد اشاره کرد که نه در این سی و هفت سال و نه زمان شاه کسی نتوانسته برای من تعیین تکلیف کند که حرفی بزنم یا نزنم.

۶ . مساله بعد تغییر موقعیت دوربین‌های موجود در محوطه حصر است که لنز دوربین‌ها به سمت داخل اتاق‌های خانه جهت داده شده‌اند، برای ثبت بی‌شرمانه و غیرشرعی و غیر اخلاقی زندگی خصوصی زهرا رهنورد و میرحسین موسوی، که این نیز با اعتراض تند زهرا رهنورد و تکذیب سر تیم زندان‌بان‌ها روبه‌رو شد.

در پایان به اطلاع عموم و همراهان همیشگی می‌رسانیم که این شرح رفته، مختصری از ظلم روا شده به محصورین و شرایط غیرانسانی این حصر است و ما فرزندان موسوی و رهنورد ضمن متوجه دانستن عواقب و خطرات زندان خانگی به بانیان و مجریان و ساکتین نسبت به ظلم، در خصوص این مسائل مطرح شده انتظار پاسخی روشن و جدی از مسوولین ذی‌ربط را داریم.

کوکب، زهرا و نرگس موسوی خامنه

تازه‌ترین گزارش احمد شهید درباره

وضعیت حقوق بشر ایران منتشر شد



احمد شهید، گزارش‌گر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران، در گزارش تازه خود ضمن طرح انتقادهای معمول از روندهای قضایی در ایران از «تلاش‌های دولت ایران برای پاسخ‌گویی به دغدغه‌های داخلی و بین‌المللی پیرامون تدابیر حمایتی برای متهمان» استقبال کرده است.

به گزارش بی‌بی‌سی دعوت از دو گزارش‌گر ویژه سازمان ملل به ایران از موارد دیگری است که آقای شهید از آنها استقبال کرده است. ایران به گزارش‌گر ویژه حق تغذیه و گزارش‌گر ویژه اثرات منفی اقدامات قهری یک‌جانبه بر حقوق بشر اجازه داده است که به این کشور سفر کنند.

آقای شهید از اراده مقام‌های ایران برای یافتن راه‌هایی برای کاستن از شمار اعدام‌ها هم استقبال کرده است.

اخیرا شماری از نمایندگان طرحی را به مجلس برده‌اند که در صورت تصویب، برای جرایم مرتبط با مواد مخدر حبس ابد را جایگزین مجازات اعدام می‌کند.

احمد شهید در عین حال موارد معمول نقض حقوق بشر در ایران را در گزارش خود متذکر شده و به محدودیت‌های فعالان سیاسی و حقوق بشری و تداوم روندهای ناسازگار با تعهدات بین‌المللی ایران اعتراض کرده است.

او از جمهوری اسلامی خواسته است که اجرای مجازات اعدام را به حال تعلیق در بیاورد و قوانینی را که به سلب حق حیات منجر می‌شوند بازنگری کند. آقای شهید به ویژه خواهان توقف اعدام مجرمانی شده که به هنگام ارتکاب جرم زیر ۱۸ سال سن داشته‌اند.

گزارش‌گر ویژه سازمان ملل از «سرکوب فزاینده آزادی بیان و عقیده» و وضعیت اقلیت‌های مذهبی رسمی و یا به رسمیت شناخته نشده انتقاد کرده است.

او همچنین از حکومت ایران خواسته است که در قوانین تبعیض‌آمیز علیه زنان بازنگری کند و حقوق برابر را برای آنان به رسمیت بشناسد.

هشتمین گزارش سالانه سازمان حقوق بشر ایران در خصوص مجازات اعدام، نشان می‌دهد که با وجود بهبودی روابط ایران و جامعه جهانی در سال ۲۰۱۵، این سال مرگبارترین سال در بیش از دو دهه بود.

حقوق بشر ایران، ۱۹ اسفند ماه ۱۳۹۴: هشتمین گزارش سالانه اعدام سازمان حقوق بشر ایران نشان می‌دهد که در سال ۲۰۱۵ میلادی جمهوری اسلامی ایران یکی از سیاه‌ترین سال‌های عمرش را بر اساس تعداد اعدام‌ها داشته است. در این سال به طور متوسط هر روز بین ۲ تا ۳ نفر به دار آویخته شده‌اند. این موضوع با این حقیقت در تضاد است که سال ۲۰۱۵ سالی بود که جمهوری اسلامی ایران پس از سال‌ها انزوا، روابطش را با جامعه جهانی از طریق توافق هسته‌ای و رفع تحریم‌ها، ترمیم کرده است.

در سالی که تمرکز سازمان ملل متحد روی مسایل مربوط به مواد مخدر و به خصوص نقض حقوق بشر در مبارزه با قاچاق مواد مخدر است، ایران دست کم ۶۳۸ نفر را در رابطه با جرایم مواد مخدر اعدام کرده است. علی‌رغم اینکه چندین مقام ارشد ایرانی پذیرفته‌اند که اعدام‌ها منجر به کاهش مشکلات مربوط به مواد مخدر و قاچاق آن نشده است، با این حال سازمان ملل در آذر ماه سال ۹۴ (دسامبر ۲۰۱۵) همکاری‌اش را در رابطه با مبارزه بر علیه قاچاق مواد مخدر را با ایران تمدید کرد.

اگر چه در سال ۲۰۱۵ واکنش جامعه بین‌المللی به اعدام‌ها کافی نبود، ولی نشانه‌های امید در داخل ایران وجود دارد و جنبش مخالفت با اعدام در ایران پیشرفت‌های چشم‌گیری داشته است. برای مثال تعداد موارد بخشش از موارد اجرای قصاص بیشتر بوده است.

محمود امیری‌مقدم، بنیان‌گذار سازمان حقوق بشر ایران می‌گوید: «اروپا و شرکت‌های اروپایی نباید شاهدان بی‌صدا نسبت به آمار بالای اعدام‌ها در ایران باشند. بهبود روابط اقتصادی با مقامات ایرانی باید مشروط به حرکت جدی در راستای لغو مجازات اعدام در ایران باشد». او در ادامه گفت: «پیشرفت‌های جنبش مخالفت با اعدام در داخل ایران از یک طرف، و نیاز ایران برای سرمایه‌های خارجی از سوی دیگر، فرصتی کم‌یاب است، برای آنکه جامعه جهانی بتواند در راستای لغو مجازات اعدام در ایران تاثیر گذار باشد».

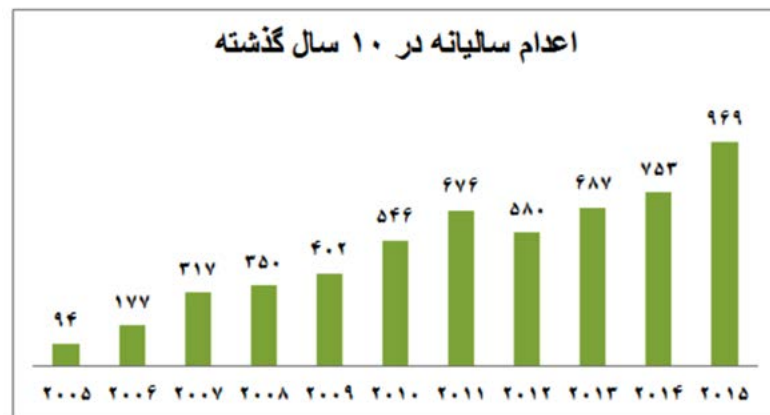
گزارش سالانه ۲۰۱۵ در یک نگاه:

- ۹۶۹ نفر در سال ۲۰۱۵ اعدام شدند (با افزایش ۲۹ درصد در مقایسه با سال ۲۰۱۴)

گزارش سالانه سازمان حقوق بشر ایران

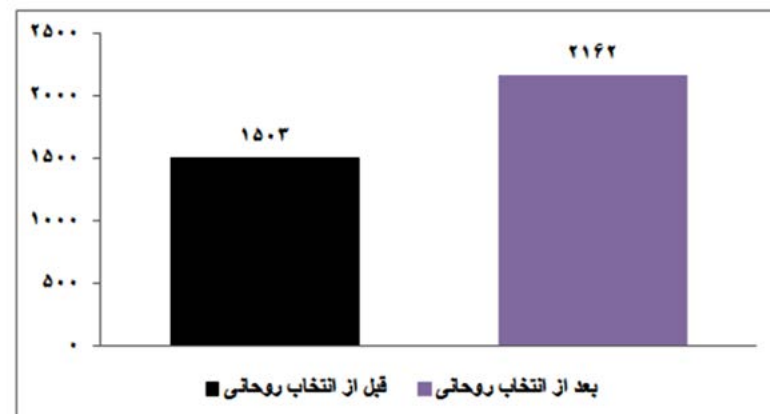
- ۳۷۳ مورد توسط منابع رسمی اعلام شده است (۳۹ درصد)
- ۹۵ درصد از اعدام‌ها در مناطق اتنیکی ایران توسط منابع رسمی اعلام نشده است.
- ۶۳۸ نفر از افراد اعدام شده اتهام‌های مرتبط با مواد مخدر داشته‌اند (۶۶ درصد)
- ۵۷ نفر در ملاء عام اعدام شده‌اند.
- حداقل ۳ مورد از اعدام شدگان، هنگام ارتکاب جرم زیر ۱۸ سال سن داشته‌اند.
- دستکم ۱۹ زن اعدام شده‌اند.
- ۲۰۷ نفر به اتهام قتل عمد اعدام شده‌اند.
- ۲۶۲ نفر نیز مورد بخشش اولیای دم قرار گرفتند.

بالاترین آمار اعدام در ۲۵ سال گذشته:



نسبت به اولین گزارش سالانه سازمان حقوق بشر ایران در سال ۲۰۰۸، تعداد اعدام‌ها دست کم ۳ برابر شده است (افزایش ۳۰۰ درصدی). نمودار بالا تعداد اعدام‌های گزارش شده از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵ را نمایش می‌دهد. آمار قبل از سال ۲۰۰۸ توسط سازمان عفو بین‌الملل گزارش شده است.

روند اعدام‌ها در دولت حسن روحانی:



گزارش

از زمان انتخاب حسن روحانی در ماه ژوئن ۲۰۱۳ حداقل ۲۱۶۲ نفر اعدام شده‌اند. قیاس بین دو سال و نیم بعد از انتخاب حسن روحانی و دو سال و نیم قبل از انتخاب او، رشد ۶۷ درصدی را در تعداد اعدام‌ها نشان می‌دهد. گرچه مسوولیت صدور و اجرای احکام اعدام با قوه قضاییه است، اما حسن روحانی و اعضای کابینه‌اش، نه تنها هیچ گونه نارضایتی در رابطه با تعداد بالای اعدام‌ها ابراز نکرده‌اند، بلکه در موارد معدودی رییس‌جمهور حسن روحانی و وزیر امور خارجه‌اش جواد ظریف از تعداد زیاد این اعدام‌ها دفاع نیز کرده‌اند.

اعدام در ملاء عام:

در سال ۲۰۱۵ اجرای احکام اعدام در ملاء عام مثل قبل ادامه داشت. هزاران شهروند، کودک و بزرگسال، شاهد صحنه‌های اعدام بودند.



- اعدام سه مرد در ملاء عام در یک منطقه مسکونی در مشهد با حضور جمعیت زیادی که می‌توانستند حتی از منزل‌هایشان اجرای حکم را تماشا کنند.



- دو کودک همراه با دو زن در حال تماشای اجرای حکم اعدام ۳ مرد از پنجره منزل‌شان هستند. (مشهد/ ۶ خرداد ۱۳۹۴)

عکس از خبرگزاری مهر

ما حقوق

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر

ایران/ محمود امیری مقدم

سر دبیر: مدیر سمیع نژاد

تماس با مجله: mail@iranhr.net

